

فصلنامه مطالعات فرهنگی - دفاعی زنان

سال اول، شماره ۲، پاییز ۱۳۸۴

## سنجش میزان اثر بخشی اقدامات فرهنگی واحد بسیج خواهران در مقابله با تهاجم فرهنگی

نویسنده: دکتر محمد حسین الیاسی\*

### چکیده

در این تحقیق به منظور ارزیابی تاثیر اقدامات فرهنگی بسیج در کاهش دامنه اثرات تهاجم فراگیر فرهنگی دنیای غرب، از بین نوجوانان و جوانان ۱۵ تا ۲۵ ساله ای که حداقل به مدت ۶ ماه از اقدامات فرهنگی بسیج استفاده کرده بودند نمونه ای به حجم ۱۵۰۰ نفر انتخاب شد. همزمان با انتخاب این گروه، از بین نوجوانان و جوانانی که در معرض مستقیم فعالیتهای فرهنگی بسیج قرار نگرفته بودند نیز نمونه ای به همان حجم انتخاب گردید. سپس نگرشها، ارزشها و هنجارهای آزمودنیهای هر یک از دو گروه با استفاده از یک مقیاس اندازه گیری دارای پایایی بسنده مورد سنجش قرار گرفت. داده های حاصل با استفاده از نرم افزار کامپیوتری SPSS و از طریق چند آزمون آماری، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصل بیانگر تفاوت معنادار دامنه اثرات اقدامات فرهنگی بسیج در استانها و گروههای مختلف بود.

### کلید واژگان

اقدامات فرهنگی، اشاعه فرهنگی، فرهنگ پذیری، تهاجم فرهنگی، ارزشها، نگرشها، هنجارها، متقاعد سازی، تبلیغات، عملیات روانی

\* استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه امام حسین (ع)

### مروری بر ادبیات موضوع

مردم شناسان فرهنگی در تلاش برای تبیین دامنه تغییرات فرهنگی، از دو مفهوم اشاعه فرهنگی<sup>۱</sup> و فرهنگ پذیری<sup>۲</sup> بهره گرفته اند. آنان «تهاجم فرهنگی»<sup>۳</sup> را نوعی ویژه از اشاعه فرهنگی تلقی کرده اند که طی آن حامیان و متولیان یک فرهنگ، با بهره گیری از راهبردها، روشها، سازوکارها (مکانیسم ها) و ابزارهای متنوع و متعدد، و به صورت نظام مند (سیستماتیک)، می کوشند تا عناصر فرهنگی خویش را به فرهنگ های دیگر تحمیل نمایند (راجرز؛ ۱۹۹۳). در سطوری که در پی می آید ابتدا مبانی نظری این دو مفهوم مرور می شود، آنگاه ادبیات تهاجم فرهنگی، عوامل موثر بر آن، و روشهای مقابله با آن، به ویژه اقدامات فرهنگی بسیج، مرور می شود.

#### اشاعه فرهنگی

به باور مردم شناسان فرهنگی، اشاعه فرهنگی فرآیندی است که طی آن عناصر یا مجموعه های فرهنگی از یک فرهنگ یا جامعه، به فرهنگ یا جامعه دیگر انتقال می یابد و این عناصر به تدریج جذب فرهنگ مقصد (آماج) شده و تغییراتی را در آن پدید می آورند (هاین - گلدرن؛ ۱۹۷۲).

به باور - گلدرن، اشاعه فرهنگی به دو صورت غیر ارادی و ارادی، محقق می شود. در نوع اول، عناصر فرهنگی (واژگان، آداب معاشرت، مدل لباس پوشیدن، شیوه تعامل اعضای جامعه و جز آن) ناخواسته و بدون قصد و نیت قبلی از یک نظام فرهنگی به نظامهای فرهنگی دیگر سرایت می کند. در این نوع اشاعه بدون آنکه

1- Cultural diffusion

2- Acculturation

3- Cultural invasion

4- Rogers

5- Heine-Goldern

حاملان و حامیان یک فرهنگ بخواهند پاره ای از عناصر فرهنگی آنان، به ویژه از طریق رسانه های جمعی و متون علمی، هنری و ادبی، به فرهنگ های دیگر اشاعه پیدا می کند. اما اشاعه فرهنگی نوع دوم (نوع ارادی) زمانی صورت می گیرد که حاملان و عوامل یک فرهنگ با بهره گیری از ابزارهای مختلف و با استفاده از راهبردهای متقاعد سازی<sup>۱</sup>، عملیات روانی<sup>۲</sup> و تبلیغات غیر مستقیم<sup>۳</sup> می کوشند تا فرهنگ های دیگر را آماج قرار دهند. هدف اصلی عاملان این نوع اشاعه فرهنگی، ایجاد تغییرات ژرف در نگرشها<sup>۴</sup>، ارزشها<sup>۵</sup> هنجارهای<sup>۶</sup> (الگوهای رفتاری)<sup>۷</sup> گروههای آماج است (رابرتسون، ۱۹۹۳).

فرنزوی (۲۰۰۱) اذعان داشته که این دو نوع اشاعه فرهنگی، از قدمتی طولانی برخوردارند. لیکن، به باور او، اشاعه فرهنگی نوع دوم (اشاعه ارادی) موخر بر نوع اول است. او تاکید می کند «در چند دهه اخیر بسیاری از برنامه ریزان و سیاستمداران دنیای غرب، دریافته اند که یکی از اثر گذارترین روشهای ایجاد تغییر در فرهنگ کشورهای دیگر، و حتی تغییر نظام های سیاسی آنها، اشاعه عناصر و ویژگیهای فرهنگی خود به آن کشورها است» (ص ۳۰۱).

قدمت و اهمیت اشاعه فرهنگی موجب فرمول بندی دیدگاهها و مکاتب نظری مختلف، برای تبیین آن، شده است. *پژوهش‌های علمی در مطالعات فرهنگی* *تال جامع علوم انسانی*

روح امینی (۱۳۷۲) این مکاتب را به سه دسته زیر تقسیم کرده است:

۱- مکاتب اشاعه انگلیسی؛

- 
- 1 - Persuasion
  - 2 - Psychological Operations
  - 3 - Nondirectivepropaganda
  - 4 - Attitudes
  - 5 - Values
  - 6 - Norms
  - 7 - Behavioral

۲- مکاتب اشاعه آلمانی؛

۳- مکاتب اشاعه آمریکائی.

الیوت<sup>۱</sup>، یکی از بنیان مکتب اشاعه انگلیسی، فرهنگ‌ها را به دو دسته غالب (قومی) و اقماری تقسیم می‌کند. به باور او فرهنگ اقماری معمولاً تحت تاثیر فرهنگ قومی قرار می‌گیرد. چه، فرهنگ نوع اول واجد ابزارهایی است که با استفاده از آن می‌تواند فرهنگ نوع دوم را تحت تاثیر قرار دهد. اما الیوت تاکید می‌کند که در این فرآیند، فرهنگ اقماری به ندرت به طور کامل جذب فرهنگ غالب می‌شود. او در تایید ادعای خویش به موارد متعددی اشاره می‌کند که در آن فرهنگ غالب (فرهنگ سلطه) حتی در شرایطی که کشور حامل فرهنگ دیگر را تحت استعمار خود داشته، نتوانسته است به طور کامل آن را از میان بردارد. الیوت دو دلیل عمده این عدم جذب کامل فرهنگ اقماری را به شرح زیر فهرست می‌کند:

۱- در هر موجودی این گزینه به ودیعه نهاده شده است که از موجودی خود دفاع کند. یک ملت نیز، به عنوان یک موجودیت مستقل، هرگاه احساس کند که یک نظام فرهنگی یا سیاسی دیگر در پی اضمحلال فرهنگی اوست، از خود واکنش شدید نشان خواهد داد.

۲- رابطه فرهنگ سلطه با فرهنگ اقماری همواره یک سویه نیست. چه، فرهنگ اقماری نیز تاثیر قابل ملاحظه‌ای بر فرهنگ سلطه بر جای می‌گذارد.

از نظر صاحبان مکتب اشاعه آلمانی، هر فرهنگی خود متشکل از چند خرده فرهنگ است که بر یکدیگر تاثیر می‌گذارند و در فرآیند درون‌سازی<sup>۲</sup> و برون

<sup>1</sup> - Eliot

<sup>2</sup> - Internalize



سازی<sup>۱</sup> (به مفهوم آن) به تعادل جدیدی دست می یابند. افزون بر آن، فرهنگ هر منطقه متشکل از فرهنگ های هر یک از کشورهای آن منطقه است که تعامل مستمر و ارتباط گسترده ای با یکدیگر دارند. مثلاً، فرهنگ خاورمیانه تلفیقی از فرهنگ های اسلامی، ایرانی، ترکی و جز آن است که با یکدیگر دادوستد تاریخی دارند (روح الامینی، ۱۳۷۲). بنابراین، از نظر مکتب اشاعه آلمانی، اشاعه فرهنگی اقدام و فرآیند پسندیده ای است که فرهنگ های مختلف یک منطقه با یکدیگر طی آن عناصر فرهنگی خود را به یکدیگر اشاعه می دهند. حاصل این اشاعه، تکامل، تحول، رشد، پویایی و بالندگی همه آن فرهنگ ها است، نه اضمحلال یا فروپاشی و تغییر بنیادی هریک از آنها.

کروبر و سایر بانیان و صاحبان مکتب اشاعه آمریکایی، همانند دو مکتب پیش گفته، اشاعه فرهنگی را عامل اصلی تغییر فرهنگ ها می دانند. اما، تبیین آنها از تغییر فرهنگی اندکی متفاوت از تبیین دو مکتب دیگر است. از نظر آنان بین عناصر و اجزایی که یک فرهنگ در فرآیند اشاعه فرهنگی از فرهنگ های دیگر می گیرد، روابط و تعامل مستحکمی پدید می آید، آن عناصر در ترکیب با عناصر قبلی فرهنگی مقصد، مرکزیت و رگه فرهنگی جدیدی پدید می آورند که دارای کارکرد معین و مشخص است. به تعبیر روشن تر، عناصر فرهنگی دریافتی از فرهنگ های دیگر، پس از ممزوج شدن با عناصر پیشین تغییر ماهیت می دهند و رنگ و بوی نوینی می گیرند (روح الامینی، ۱۳۷۲).

با تامل در هریک از این سه مکتب، به روشنی می توان نتیجه گرفت که اشاعه فرهنگی موجب تغییر و دگرگونی در برخی از عناصر فرهنگی فرهنگ آماج می شود. اما، این تغییر فرهنگی مادامی که موجب اضمحلال و سست شدن بنیان های آن

1- Externalize

فرهنگ نشود، مطلوب و مثبت تلقی می شود. اما، زمانی که فرهنگ سلطه در فرآیند اشاعه فرهنگی، بنیانهای فرهنگ اقماری را متزلزل سازد، اشاعه فرهنگی نامطلوب و یک سویه تلقی می شود (رابرتسون، ۱۹۹۳).

مفهوم و پدیده دیگری که شباهت زیادی با مفهوم اشاعه فرهنگی دارد، «فرهنگ پذیری» است. منظور از فرهنگ پذیری، نوعی دگرگونی و تغییر فرهنگی است که بر اثر تماس های مستقیم و گسترده دو یا چند فرهنگ، و ارتباط مستمر حاملان آن فرهنگ ها، رخ می دهد (و پلاک، ترجمه ثلاثی، ۱۳۷۵).

فرهنگ پذیری بیش از همه فرهنگ وام گیرنده را دچار تغییر و دگرگونی می سازد. اما، میزان تغییر فرهنگ وام گیرنده متأثر از چند عامل اساسی است. پاره ای از آن عوامل را می توان به شرح زیر برشمرد:

۱- نوع افرادی که با جوامع دیگر در ارتباط هستند.

۲- نوع رفتارهایی که در نتیجه تماس دگرگون می شوند،

۳- ویژگیهای جوامع در تماس،

۴- توانایی نسبی نظامی و سیاسی و اجتماعی در تماس (رابرتسون، ۱۹۹۳).

از این میان، می توان نتیجه گرفت که هر گاه عده ای از افراد یک جامعه در تماس با جوامع دیگر، احساس حقارت بنماید و با پذیرش الگوهای کلان اختیاری آن جوامع، تغییرات بنیادی در نظرات، نگرشها و الگوهای اختیاری پیشین خود ایجاد کنند، به هنگام بازگشت به جامعه خویش به منزله پیام آوران غیر رسمی بر اثر فرهنگ بیگانه عمل خواهند کرد.

برخی از محققان فرهنگی (برای مثال، بنامی، ۱۳۷۰ را ببیند) دو پدیده اشاعه فرهنگی و فرهنگ پذیری را از یکدیگر تفکیک نموده و تهاجم فرهنگی را نوعی اشاعه فرهنگی می دانند. همینطور محققان دیگری بر این باورند که اشاعه فرهنگی و

فرهنگ پذیری هر دو می‌توانند به عنوان فرآیندها و محمل‌های تهاجم فرهنگی تلقی شوند. در این نوشتار با تایید ادعای محققان گروه دوم، تهاجم فرهنگی به منزله تلاش‌های آگاهانه و از پیش اندیشیده شده‌ای تلقی می‌شود که پیامد آن ایجاد تغییرات اساسی در نظام باورهای (نگرشها، هنجارها و ارزشهای) افراد جامعه آماج است. یا به تعبیر رفیع (۱۳۳۳) تهاجم فرهنگی یعنی اینکه دشمن، ابزارهایی را که لازمه ایجاد و گسترش یا کاهش و امحای فکر و فرهنگ و بینش و عقیده در میان یک ملت است، به گونه‌ای مورد استفاده قرار می‌دهد که افکار و آرای مردم را برای پذیرش هجوم ناگهانی یا نفوذ تدریجی، به طور طبیعی، مهیا کند. (ص ۱۷۸). با تلقی تهاجم فرهنگی به عنوان تلاش سازمان یافته برای تغییر باورها و ارزشهای یک جامعه، با قاطعیت می‌توان با پناهی (۱۳۳۷) هم رای بود که تهاجم فرهنگی به ایران سابقه‌ای دیرینه دارد، این تهاجم با استقرار جمهوری اسلامی سیری شتابان و دگرگونه گرفت. چه، تقابل جدی نظام جمهوری اسلامی با فرهنگ و دنیای غرب، متولیان و زمامداران سیاسی و فرهنگی غرب را برانگیخت تا برای تغییر تدریجی و گام به گام نظام فرهنگی ایران گامهای نظام مند و از پیش تدبیر شده‌ای را بردارند (عائمی، ۱۳۳۳).

تحقیقات مختلفی پیرامون اهداف و روشهای تهاجم فرهنگی غرب برضد ایران صورت گرفته است. در سطوری که در پی می‌آید برخی از آن اهداف و روشها مرور می‌شود.

علی محمدی (۱۳۷۴) در تحقیقات خود نشان داده است که تضعیف ارزشهای دینی یکی از مهمترین اهداف تهاجم فرهنگی غرب برضد ایران است. لیکن، غربی‌ها می‌دانند که حمله مستقیم علیه ارزشهای دینی یک جامعه، واکنش اعضای آن جامعه را برمی‌انگیزد. از همین روی، آنان برای تضعیف ارزشهای برگرفته از

یک فرهنگ، فعالیت خویش به تغییر رفتارهای افراد آن جامعه معطوف می کنند. آنان برای این منظور از محرک های اغوا کننده بهره می گیرند. زیرا، مقاومت افراد یک جامعه در برابر این گونه محرک ها اندک است. این شگرد غربی ها در تهاجم فرهنگی علیه ایران، بر یافته های متقن اینگلهارت (ترجمه وتر، ۱۳۷۳، مبتنی است. اینگلهارت نشان داده است که با تغییر تدریجی رفتار یک جامعه، می توان عناصر فرهنگی، به ویژه ارزشهای حاکم بر آن جامعه را دستخوش تغییر ساخت. تضعیف شان و منزلت روحانیت نیز، یکی دیگر از اهداف تهاجم فرهنگی غرب علیه ایران است. اشاعه کنش های غیراسلامی، ترویج فساد و ترویج مکاتب غیر دینی از جمله دیگر اهداف تهاجم فرهنگی غرب علیه ایران است (احدی، ۱۳۸۳).

با این حال تهاجم فرهنگی غرب در سطح ارزشها محدود نمانده است. آنها هنجارها و نگرشهای مردم جامعه را نیز آماج تهاجم فرهنگی قرار داده اند. به باور نوید (۱۳۷۱) غرب با تبلیغ قدرت علمی، سیاسی و اقتصادی و نمایش آثار دلفریب جامعه خویش، ترویج زندگی تجملی، نمایش خوشبختی دنیوی مردم در غرب و نظایر آن، درصدد بر آمده است تا بر نگرش مردم ایران نسبت به دنیای غرب تاثیر بگذارد.

غرب در تهاجم فرهنگی خود علیه ایران، از فرآیندهای زیر بهره گرفته است:

۱- آموزش؛

۲- اطلاع رسانی؛

۳- تبلیغات.

غرب در تهاجم خود برضد نظام فرهنگی ایران از سه شکل آموزش بهره

گرفته است:



در شکل اول بخشی از برنامه های رادیو و تلویزیون و جراید فارسی آمریکا به آموزش عناصر واجزای نظام فرهنگی غرب اختصاص یافته است (نوری، ۱۳۷۳).  
 دردومین روش ، می کوشد بر افرادی که به آن کشور ، برای مقاصد علمی - پژوهشی یا اقتصادی و تفریحی، سفر می کنند تاثیر بگذارد زیرا می داند که این افراد به ناقلان فرهنگی غرب تبدیل می شوند .

سومین شکل آموزش غرب در تهاجم فرهنگی ، استفاده از برخی فرقه های مذهبی است . این فرقه ها با بهره گیری از آموزشهای غرب و با هدایت بنگاههای تبلیغاتی و فرهنگی آن دیار ، مبادرت به جذب و آموزش جوانان و نوجوانان جامعه می نمایند (علی محمدی، ۱۳۷۴).

در روش اطلاع رسانی آمریکایی ها و سایر کشورهای غربی ، با راه اندازی سایت های به ظاهر خبری و یا از طریق رسانه های متعدد خبری ، برخی پیامهای فرهنگی خویش را به مخاطبان ایرانی القا می کنند. آنها برای این منظور از شگردهای مختلف تبلیغاتی ، نظیر تبلیغات شرطی ، تبلیغات نفی و اثبات و تبلیغات استدلالی ، بهره می گیرند (واکر، ۲۰۰۲).

مهمترین ابزارهای مورد استفاده غرب در تهاجم فرهنگی علیه ایران عبارتند از :  
 رادیوهای فارسی زبان ، شبکه های ماهواره ای ، لوح های فشرده ، سایت های اینترنتی ، شبکه های خبری ، کتب علمی ، لباس های صادراتی و حتی کالای تجاری (واکر، ۲۰۰۳).

واکر نشان داده است که تهاجم فرهنگی غرب به ایران ، و حتی به کشورهای اسلامی ، محدود نشده است . بلکه غرب ، به ویژه آمریکا ، بسیاری از کشورهای در حال توسعه را آماج تهاجم فرهنگی خود قرار داده است . او تاکید کرده که

کشورهای مختلف دنیا در برابر تهاجم فرهنگ غرب، به یکی از چهار سیاست زیر متوسل می شوند .

- ۱- پذیرش مطلق و بازگذاشتن درهای خود بر روی کالای فرهنگی غرب،
  - ۲- پذیرش محدود و اعمال سیاستهای ورود محدود کالاهای فرهنگی غرب ،
  - ۳- محدودیت مطلق و ممانعت از ورود کالاهای فرهنگی غرب ،
  - ۴- محدودیت برنامه ریزی شده و مقابله اثربخش با تهاجم فرهنگی غرب.
- جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با تهاجم فرهنگی غرب سیاست چهارم را اتخاذ نموده و بخشی از ماموریت مقابله با تهاجم فرهنگی غرب را به نیروی مقاومت بسیج واگذار کرده است .

بسیج برای مقابله با تهاجم فرهنگی غرب از دوراھبرد زیراستفاده کرده است :

- ۱- راھبرد ایمن سازی ،
  - ۲- راھبرد مبارزه و مقابله .
- برای تحقق راھبرد اول به انجام فعالیت هایی مبادرت نموده است که به زعم مسئولان فرهنگی بسیج موجب ۱- تقویت بنیه فرهنگی نوجوانان، جوانان ، ۲- واکسینه سازی آنان در برابر تهاجم فرهنگی غرب ، ۳- افزایش بهداشت فرهنگی، ۴- تقویت خودباوری نوجوانان و جوانان و ۵- غنی شدن اوقات فراغت آنان شده است .

برای تحقق استراتژی دوم از روشهایی نظیر آموزش مستقیم نوجوانان و جوانان ، مخالف با ورود ابزارهای تهاجم فرهنگی ، حمایت از ممنوعیت استفاده از شبکه های ماهواره ای ، ترویج اندیشه های ضد سکولاریستی و مقابله با گروههای مروج تهاجم فرهنگی استفاده کرده است .

هدف اصلی بسیج از این اقدامات، آن بوده است که ارزشها و هنجارهای دینی و ملی نوجوانان و جوانان را تقویت کند و بر نگرش آنان نسبت به دنیای غرب تاثیر بگذارد. همچنین، نیروی مقاومت بسیج برای تحقق اهداف و راهبردهای خویش از برنامه‌های فرهنگی مختلفی استفاده کرده است. براساس داده‌ها و اطلاعات منتشره، مهمترین برنامه‌های آموزش بسیج برای جوانان و نوجوانان عبارتند از: برگزاری کلاسهای آموزش ( نظیر آموزش قرآن، آموزش امدادگری، آموزش فنی، آموزش عقیدتی و سیاسی و آموزش هنری، برگزاری مستمر اردوهای فرهنگی، اردوهای رزمی، بسیج سازندگی، برنامه‌های تربیت بدنی، برگزاری نمایشگاههای فرهنگی، برگزاری مسابقات علمی و فرهنگی، انجام مشاوره‌های فردی و گروهی و آموزش فرآیند امر به معروف )

حال این سؤال مطرح است که آیا اقدامات فرهنگی بسیج توانسته است اثرات تهاجم مستمر فرهنگی غرب را برای نوجوانان و جوانان تحت پوشش آن اقدامات بی اثر سازد؟

برای یافتن پاسخ سؤال اساسی بالا، فرضیات زیر مطرح شدند:

- ۱- اقدامات فرهنگی بسیج موجب افزایش و تقویت ارزشهای دینی نوجوانان و جوانان شده است.
- ۲- فعالیت‌های فرهنگی بسیج، موجب تقویت هنجارهای مذهبی نوجوانان و جوانان شده است.
- ۳- فعالیت و برنامه‌های بسیج، موجب تقویت نگرشهای برگرفته از ارزشها و هنجارهای جامعه در نوجوانان و جوانان شده است.

**روش تحقیق**

در این تحقیق از روش علی - مقایسه‌ای استفاده شد. در این گونه تحقیقات معمولاً دو گروه، گروهی که در معرض متغیر مستقل قرار گرفته و گروهی که در معرض آن متغیر قرار نگرفته است، مورد مقایسه قرار می‌گیرند. تفاوت این روش با روش آزمایش در کنترل متغیر مستقل است. در روش علی - مقایسه‌ای، متغیر مستقل پیش از تحقیق اجرا شده و تاثیر خود را برجای گذاشته است (به همین خاطر گاهی از این روش تحت عنوان پس رویدادی یاد می‌شود) در حالی که در روش آزمایش خود به کنترل و دستکاری متغیر مستقل می‌پردازد و اثر آن را بر متغیر وابسته مشاهده می‌کند.

**جامعه آماری**

این تحقیق دارای دو جامعه آماری است. جامعه آماری اول شامل کلیه نوجوانان و جوانانی است که در معرض فعالیتهای فرهنگی بسیج قرار گرفته‌اند. جامعه آماری دوم شامل کلیه نوجوانان و جوانانی است که در معرض فعالیتهای فرهنگی بسیج قرار نگرفته‌اند.

**حجم نمونه**

حجم نمونه اول براساس فرمول  $n = \frac{nz^2\alpha^2}{D^2}$ ،  $n=1500$  نفر برآورد شد. حجم گروه

$$D^2$$

دوم نیز درست به همان میزان در نظر گرفته شد.

**روش نمونه‌گیری**

برای انتخاب آزمودنیها از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد. برای این منظور از بین استانهای کشور، ۷ استان و از هر استان ۲ شهرستان و از هر شهرستان چند پایگاه و چند مرکز فرهنگی بسیج انتخاب شد. آنگاه از بین آزمودنیهای آن مراکز گروهی انتخاب شدند. آزمودنیهای گروه دوم نیز از بین نوجوانان و جوانان همان مناطق انتخاب شدند. اما، سرانجام حجم نمونه هریک



از دو گروه به دلیل افت آزمودنیها وعدم تکمیل دقیق برخی پرسشنامه ها به ترتیب به ۱۴۳۵ (گروه اول) و ۱۴۹۷ (گروه دوم) تقلیل یافت .  
 فراوانی آزمودنیها به تفکیک دامنه نسبی در جدول زیر درج شده است :

جدول ۱: فراوانی آزمودنیها به تفکیک دامنه سنی

گروه دوم		گروه اول		دامنه نسبی
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۶۱	۹۱۳	۶۱/۵	۸۸۲	۱۵-۱۹
۳۹	۴۲۴	۳۴	۴۸۷	۲۰-۲۵
۵/۶	۸۵	۲/۵	۳۶	بالاتر از ۲۵
۴/۴	۶۷	۲	۴	نامشخص
۱۰۰	۱۴۹۷	۱۰۰	۱۴۳۵	جمع

همانگونه که ملاحظه می شود، اغلب آزمودنیهای دو گروه در گروه سنی ۱۹-۱۵ (دوره نوجوانی) قرار داشته اند و تنها تعداد خیلی کمی از آنان در دامنه سنی بالاتر از ۲۵ سال قرار داشته اند .  
 همچنین ، ۸۵ درصد کل آزمودنیها مجرد و بقیه متاهل بوده اند .

#### ابزار اندازه گیری

برای ابزار اندازه گیری متغیرها از یک مقیاس ۳۱ ماده ای استفاده شد . این مقیاس از سه خرده مقیاس ارزشها ، هنجارها و نگرشها تشکیل شده بود . شاخص های هریک از سه گروه مقیاس مذکور در جدول زیر درج شده است :

جدول ۲ شاخص های اصلی هریک از سه خرده مقیاس اندازه گیری

خرده مقیاس نگرشها	خرده مقیاس هنجارها	خرده مقیاس ارزشها
نگرش به ایران و ایرانی	انجام عبادات	اعتقاد به خدا
نگرش به جمهوری اسلامی	گرایش به هنر ایرانی	اعتقاد به اسلام
نگرش منفی به آمریکای غرب	پوشش	دفاع از میهن
نگرش به متولیان کشور	ملاک ایمان برای ازدواج	دفاع از انقلاب اسلامی
	تقبیح رابطه قبل از ازدواج	تلقی ازدواج به منزله
	عدم گرایش به گروههای انحرافی	ارزش مهم
		تکریم علما
		برابری و عدالت
		اهمیت علم
		حفظ میراث فرهنگی
		آزاد اندیشی

برای تعیین پایائی مقیاس از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج حاصل نشان داد که مقیاس از پایائی بالایی ( $\alpha=0/88$ ) برخوردار است.

#### یافته های تحقیق

یافته های تحقیق به تفکیک سه فرضیه در سطور زیر گزارش می شود.

#### ۱- تقویت ارزشها

برای آزمون فرضیه اول میانگین اعتقاد دو گروه به هریک از ارزشها محاسبه و در جدول زیر درج گردید:

جدول ۳: میانگین و انحراف معیار نمرات دو گروه هر ده مقیاس ارزشها

گروهایی که از فعالیت استفاده نکرده اند		گروهایی که از فعالیت استفاده کرده اند		ارزشها
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۰/۵۶	۴/۶۷	۰/۴۲	۴/۸۰	اعتقادات دینی
۱/۰۹	۴/۰۳	۰/۷۴	۴/۵۱	دفاع از میهن و انقلاب
۰/۸۰	۴/۵۳	۰/۷۶	۴/۴۹	ازدواج
۱/۱۵	۳/۲۲	۰/۷۶	۴/۲۹	آزادی و عدالت
۰/۹۰	۳/۷۷	۰/۷۵	۴/۱۹	تقدیس علم و علماء
۱/۰۲	۴/۰۶	۰/۸۸	۴/۱۸	حراست از میراث فرهنگی

همانگونه که ملاحظه می شود، تقریباً در تمامی ارزشها میانگین نمرات گروهی که از فعالیت های بسیج استفاده کرده اند بیش از گروه کنترل است.

همچنین، میانگین نمرات دو گروه در کل ارزشها محاسبه و با لحاظ کردن دو متغیر «سبک تربیتی» و «سطح تحصیلات والدین»، با استفاده از آزمون آماری t مورد مقایسه قرار گرفت. نتایج حاصل در جدول زیر درج شده است.

جدول ۴: نتایج حاصل از مقایسه ارزشهای دو گروه

گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	sig
گروه اول	۱۴۳۵	۴/۳۲	۰/۴۱	۴/۴۲	۰/۰۱
گروه دوم	۱۴۹۷	۴/۰۸	۰/۵۲		

همانگونه که جدول بالا نشان می دهد  $t$  محاسبه شده در سطح  $p < 0/01$  بزرگتر از  $t$  استاندارد است. بنابراین از این یافته می توان نتیجه گرفت که میزان پایبندی و اعتقاد گروه اول و گروهی که از فعالیت های فرهنگی بسیج استفاده کرده اند ( به ارزشهای دینی بیش از گروه کنترل است. از همین روی، فرضیه اول تحقیق تایید می شود.

## ۲- هنجارها

برای آزمون فرضیه دوم تحقیق، دروهله اول میانگین و انحراف معیار نمرات آزمودنیهای دو گروه در مورد خرده مقیاس هنجارها محاسبه و در جدول زیر درج گردید.

جدول ۵: میانگین و انحراف معیار آزمودنیهای ده گروه در مواد خرده مقیاس هنجارها ( پایبندی به هنجارها)

گروه کنترل		گروه اول		هنجارها
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۰/۷۲	۴/۵۱	۰/۶۰	۴/۶۶	انجام عبادات (نماز، روزه)
۰/۹۳	۳/۸۳	۰/۸۰	۴/۰۴	انجام امر به معروف
۱/۱۴	۳/۶۵	۰/۸۷	۴/۱۹	گرایش به هنرموسیقی سنتی
۱/۲۹	۳/۶۷	۱/۳۱	۳/۷۲	رعایت پوشش مناسب اسلامی
۱/۰۶	۴/۱۶	۰/۷۹	۴/۴۹	ملاک ایمان برای ازدواج
۱/۴۲	۳/۱۷	۱/۲۹	۳/۷۵	تقبیح روابط قبل از ازدواج
۱/۳۰	۳/۹	۱/۰۵	۴/۳۷	عدم گرایش به گروههای انحراف



همچنین ، میانگین کل دو گروه در خرده مقیاس هنجارها با استفاده از آزمون آماری t مورد مقایسه قرار گرفت .نتایج حاصل در جدول زیر درج گردیده است :  
جدول ۶: نتایج حاصل از مقایسه میزان پابندی دو گروه به هنجارها

گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	sig
گروه اول	۱۴۳۵	۴/۲۱	۰/۵۹	۴/۶۴	۰/۰۱
گروه دوم	۱۴۹۷	۳/۸۶	۰/۷۵		

نتایج مندرج در جدول ۶ بیانگر آن است که t محاسبه شده ( $t=۴/۶۴$ ) در سطح  $p < ۰/۰۱$  بزرگتر از t استاندارد است . بنابراین ، فرضیه دوم تحقیق در سطح اطمینان ۰/۹۹ مورد تایید قرار می گیرد . از همین روی، می توان نتیجه گرفت که اقدامات فرهنگی بسیج موجب تقویت هنجارهای دینی و مذهبی نوجوانان و جوانان جامعه شده و تاثیر تهاجم فرهنگی را خنثی کرده است .

### ۳- نگرشها

برای آزمون فرضیه سوم تحقیق ، ابتدا میانگین و انحراف معیار آزمودنیها دو گروه در مورد مربوط به خرده مقیاس نگرشها محاسبه شد . آنگاه میانگین کل نگرشهای دو گروه با استفاده از آزمون آماری t مورد مقایسه قرار گرفت . نتایج حاصل در دو جدول زیر درج شده است :

جدول ۷: میانگین و انحراف معیار نمرات دو گروه در انواع نگرشها

نگرش	گروه اول		گروه کنترل	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
نگرش به ایران و ایرانی	۴/۴۷	۰/۶۲	۴/۲۱	۰/۷۹
نگرش به نظام	۴/۴۸	۰/۹۰	۳/۹۶	۱/۳۳
نگرش به غرب	۱/۷۰	۰/۸۸	۲/۰۸	۱/۰۵
نگرش به مسئولان	۴/۰۵	۱/۱۵	۳/۰۸	۱/۴۰

جدول ۸: نتایج حاصل از اجرای آزمون t برای مقایسه نگرشهای دو گروه

گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	sig
گروه اول	۱۴۳۵	۴/۳۸	۰/۶۲	۴/۶۴	۰/۰۱
گروه دوم	۱۴۹۷	۴	۰/۷۸		

نتایج حاصل از مقایسه میانگین ها نشان داد که t محاسبه شده ( $t=$ ) در سطح  $p < ۰/۰۱$  بزرگتر از t استاندارد است. بنابراین فرضیه سوم تحقیق نیز تایید می شود. از این یافته می توان نتیجه گرفت که اقدامات فرهنگی بسیج در بعد نگرشها نیز موثر واقع شده و تاثیر تهاجم فرهنگی را بر مخاطبان خود از بین برده است .

#### بحث در نتایج

در سطور زیر نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل یافته ها به تفکیک فرضیات سه گانه مورد بحث قرار می گیرد .

#### اثربخشی مناسبتهای فرهنگی بسیج در تقویت ارزشها

همانگونه که پیش تر گفته شد، برای آزمون فرضیه اول از بین ارزشهای مختلف دینی ، چند ارزش زیر انتخاب شد .

- اعتقادات دینی (خدا پیامبر ، قرآن ، معاد ، و...)
- ضرورت دفاع از میهن و نظام
- تلقی ازدواج به عنوان ارزش
- عدم گرایش سیاسی
- برابری و عدالت
- تقدیس علم و علما
- افتخار به پیشینه فرهنگی

یکی از دلایل عمده واساسی انتخاب و آزمون این ارزشها آن بود که تحقیقات انجام شده در دنیای غرب ( برای مثال نگاه کنید به اینگلهارت )

نشان داده بود که در فرآیند اشاعه و تغییرات فرهنگی، بیش از هر چیز ارزشهای کلان حاکم بر جامعه دستخوش تغییر می شوند. بر همین اساس، دنیای غرب نیز در تهاجم فراگیر خود علیه ایران، با به کار بستن راهبردها، فنون و روشهای مختلف کوشیده است تا این ارزشها را دستخوش تغییر سازد؛ به تعبیر رهبر انقلاب، غرب در تهاجم فرهنگی خود «باورهای تازه ای را به قصد جایگزینی با فرهنگ و باورهای ملی وارد کشور می کند». در مقابل، نیروی مقاومت بسیج نیز بخش معتنا بهی از فعالیت های فرهنگی خود را به تقویت و تثبیت این ارزشها اختصاص داده است. نتایج حاصل از تحقیق نیز بیانگر اثربخش بودن فعالیت های فرهنگی بسیج در اغلب مؤلفه های مورد آزمون حیطه ارزشها بود. به بیان روشن تر، نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول، نشان داد که فعالیت های فرهنگی در تقویت ارزشهای مورد بررسی، به استثنای ارزش سوم (ارزش تلقی کردن ازدواج) موثر واقع شده است. بنابراین، فرضیه اول تحقیق در سطح اطمینان ۰/۰۱ تایید می شود. خاطر نشان می سازد که تایید این فرضیه در حالی صورت می گیرد که «سبک تربیتی» و «میزان کنترل مذهبی» خانواده کنترل شده است. به عبارتی دیگر، چون احتمال آن می رفت که این دو متغیر بر ارزشهای مورد بررسی تاثیر بگذارند، آزمودنیهای هر گروه به سه دسته تقسیم شدند و ارزشهای هر دسته به تفکیک با یکدیگر مورد مقایسه قرار گرفتند و، همانگونه که گفته شد، همچنان بین ارزشهای دو گروه تفاوت معنی داری وجود داشت.

اما، همانگونه که یافته ها نشان داد، تاثیر فعالیتهای فرهنگی بسیج بر برخی ارزشها فزونتر از تاثیر آن بر سایر ارزشها بود که از آن جمله، می توان به

دوارزش «اعتقاد به خدا و دین اسلام» و تقدیس و تکریم علم و علما» اشاره کرد.

مرور فعالیتهای فرهنگی بسیج حاکی از آن است که بسیج برای تقویت این دو ارزش برنامه های فرهنگی و آموزشی بیشتری طراحی و اجرا کرده است. در حالی که، برای برخی ارزشها، نظیر ارزش ازدواج، برنامه یا اقدامات زیادی طراحی و اجرا نکرده است.

پس، براساس دیدگاهها و یافته های مندرج در بخش مبانی نظری تحقیق می توان نتیجه گرفت که باورها و ارزشهای دینی از جمله مهمترین عناصر معنوی فرهنگ اند، به همین سبب، غرب در تهاجم فرهنگی خود، بیش از هر چیز ارزشهای دینی را مورد حمله قرار داده است. چنانچه نهادهای فرهنگی کشور با بهره گیری از فناوری آموزشی و فرهنگی مدرن، ارزشها و اعتقادات دینی و ملی را به نوجوانان و جوانان کشور آموزش دهند، و آنان را برای عمل، براساس آن ارزشها ترغیب و تشویق کنند، می توانند اثر تهاجم فرهنگی غرب را خنثی و یا به حداقل برسانند، و این همان کاری است که نیروی مقاومت بسیج خواهران در سطحی نه چندان گسترده، انجام داده است.

## ۲- میزان اثربخشی فعالیتهای فرهنگی بسیج در تقویت هنجارها

در فرضیه دوم این تحقیق ادعا شده بود که «فعالیت های فرهنگی بسیج در تقویت هنجارهای نوجوانان و جوانان موثر بوده است». به منظور سنجش این فرضیه هفت هنجار اساسی جامعه مورد آزمون قرار گرفتند. آن هفت هنجار عبارتند از: (۱) انجام عبادات مذهبی (نماز، روزه و...)، (۲) انجام امر به معروف و نهی از منکر، (۳) ترجیح هنر و موسیقی ایرانی بر هنر و موسیقی غربی، (۴) پوشش



اسلامی، ۵) لحاظ کردن ایمان مذهبی به هنگام ازدواج، ۶) تقبیح رابطه قبل از ازدواج و ۷) عدم گرایش به گروههای انحرافی.

انتخاب این هنجارها و آزمون آنها، براساس مبانی نظری تحقیق صورت گرفت. صاحب نظران و محققان مختلف (برای مثال برک، ۱۹۹۱) دریافته اند که برای دگرگون ساختن یا تغییر یک «نظام فرهنگی»، اثر بخش ترین شیوه تاثیر بر الگوهای رفتاری اعضای جامعه (هنجارهای حاکم) است. این دیدگاه، عمدتاً ریشه در نظریه ناهماهنگی شناختی، و نظریه پردازش شناختی دارد. براساس نظریه اول، وقتی بین رفتارهای فرد و شناخت های (ارزشها، باورها و دیدگاههای) او تناقض و تباین باشد، احساس ناخوشایندی در فرد ایجاد می شود که آن را «ناماهنگی» می نامند. اما، چون ناهماهنگی تعادل روان شناختی فرد را به خطر می اندازد، فرد می کوشد تا با کم اهمیت ساختن یکی از عناصر ناهماهنگ، تعادل خود را اعاده کند.

هر گاه رفتارهای مغایری که از فرد سر می زند بیش از رفتارهایی باشد که مبتنی بر ارزشها و باورهای جامعه هستند، فرد می کوشد نظام باورهای خود، و به تبع آن هنجارهای مورد قبول جامعه را نقض کند و به جای آن هنجارهای جدیدی را، که عمدتاً ریشه در نظام های فرهنگی بیگانه دارند، بپذیرد.

غرب در تهاجم فرهنگی خود می کوشد تا:

- جوانان و نوجوانان جامعه ما را ترغیب به انجام اعمال متباین با هنجارهای مذهبی کند. یا به تعبیر رهبر انقلاب «دشمن از راه اشاعه ی فرهنگ غلط و ترویج فساد و فحشا سعی می کند جوانهای ما را از دست ما بگیرد» (ص ۱۵۶).
- نوجوانان را ترغیب به پیوستن به گروههای منحرف سازد،
- اهمیت عبادات مذهبی را در اذهان نوجوانان و جوانان کم رنگ تر سازد،

- و از طریق معرفی مدل‌های مختلف، چه در پوشش و چه در آرایش و پیرایش، نوجوانان و جوانان را برای نقض هنجارهای حاکم بر جامعه اغوا کند.

- با معرفی و نشر هنرهای غیراسلامی و غیرایرانی، به ویژه موسیقی، نوجوانان و جوانان رانسبت به هنر بومی بدبین سازد،

- روابط قبل از ازدواج را تبدیل به هنجار کند،

- و ملاک‌های ازدواج را در جامعه ایران دستخوش تغییر کند و نقش ملاک ایمان مذهبی را در استمرار و تحکیم روابط زناشویی کم رنگ تر سازد.

در مقابل، نیروی مقاومت بسیج در چند سال گذشته تلاش کرده است تا با انجام فعالیت‌هایی نظیر: تشکیل اردوهای مختلف، برگزاری نمایشگاه‌های متعدد، معرفی و تبلیغ الگوهای مقبول جامعه (نظیر شهدای نوجوان و جوان جنگ)، تشویق نوجوانان و جوانان خلاق و باکفایت، تشکیل کلاس‌های متعدد هنری، برگزاری مسابقات مختلف علمی - فرهنگی، تشکیل تیم‌های ورزشی، و روش‌های امر به معروف و نهی از منکر، به مقابله با تهاجم فرهنگی غرب بپردازد.

نتایج تحقیق نشان داد که اقدامات فرهنگی واحد بسیج خواهران نیروی مقاومت بسیج در تقویت اکثر هنجارهای مورد بررسی موثر واقع شده است. بنابراین، فرضیه دوم تحقیق نیز تایید می‌شود. تنها هنجاری که اقدامات فرهنگی بسیج در تقویت آن موثر واقع نشده است «پوشش» است. چه، بین نظرات دو گروه در مورد نحوه پوشش تفاوت معنی داری وجود نداشت. گذشته از آن، اقدامات فرهنگی بسیج در هنجارهای «عدم گرایش به گروه‌های انحرافی» و «گرایش به هنر و موسیقی اصیل ایرانی» مؤثرتر از سایر هنجارها بوده است. از این یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که بسیج توانسته است نیاز نوجوانان و جوانان

را در گرایش به گروههای همسال و نیز در استفاده از هنر و موسیقی برآورده سازد.

### ۳- میزان اثر بخشی فعالیت های فرهنگی بسیج بر نگرشها

همانگونه که در مبانی نظری گفته شد، نگرشها نیز از اجزا و عناصر اصلی غیرمادی فرهنگ محسوب می شوند. چون، نگرشها بر موضوعات، اشخاص و پدیده های مختلف و متعددی تعلق می گیرند، و واکنش را در برابر آن اشخاص و پدیده ها مشخص می سازند. چه به تعبیر آلپورت، نگرش یک حالت عصبی و روانی است که از طریق تجربه سازمان می یابد و تاثیری پویا و هدایت گر بر واکنشهای فرد در برابر کلیه اشیا و موقعیت ها دارد. ناگفته آشکاراست که تغییر نگرشهای افراد یا گروهی از افراد یک جامعه، می تواند تغییراتی را در نظام فرهنگی آن جامعه ایجاد کند.

غرب، در تهاجم فرهنگی خودبرضد ایران می کوشد برخی از نگرشهای اساسی نوجوانان و جوانان جامعه ما، از نظریه های مختلف روان شناسی اجتماعی و مردم شناسی فرهنگی سود می جوید. برای مثال، غرب با اذعان به ابعاد و عناصر سه گانه نگرشها (عناصر شناختی، عاطفی و رفتاری) می کوشد تا از طریق فرآیندهای آموزشی، اطلاع رسانی و تبلیغی اطلاعات و پیامهایی عرضه کند، که یک یا چند عنصر از این عناصر را دستخوش تغییر می سازد. از سوی دیگر، با عرضه پیامهای جذاب و جالب و هیجانی، و بهره گیری از شخصیت های افراد متخصص، جذاب و حرفه ای، مخاطب خود را به سادگی مغلوب می سازد. گذشته از آن، غرب با بهره گیری از مدل های کاربردی، نیازها و شخصیت مخاطبان خویش را شناسایی و پیامها و تولیدات فرهنگی متناسب با آن را عرضه می کند. به تعبیر دقیق تر، غرب در تهاجم فرهنگی خود عمدتاً از روشهای

پیرامونی<sup>۱</sup> تغییرنگرش استفاده میکند. بدین معنی که مخاطبان خود را ترغیب نمی کند تا پیرامون پیامهای عرضه شده و استدلالهای مندرج در آن اندیشه کنند، بلکه شرایط را به گونه ای مهیا می سازد که مخاطب نادانسته بر اثر توجه به ویژگیهایی نظیر جذابیت پیام رسان، هیجانی و اغواگر بودن پیام و مدون بودن رسانه و کانال ارسال پیام، تغییر نگرش می دهد.

در مقابل تلاشهای گسترده غرب برای تغییر نگرشهای نوجوانان و جوانان کشورمان، واحدخواهران نیروی مقاومت بسیج با انجام اقدامات آموزشی و فرهنگی مختلف کوشیده است با تهاجم فرهنگی غرب به مقابله پردازد. بسیج در تلاشهای خود عمدتاً از روشهای مرکزی<sup>۲</sup> و نه پیرامونی، سود جسته است.

نگرشهایی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند عبارتند از: نگرش نسبت به مسئولان جمهوری اسلامی، و نگرش منفی به دنیای غرب. یافته ها نشان داد که اقدامات فرهنگی واحد بسیج خواهران در زمینه تقویت این نگرشهای اثربخش بوده است. به عبارت دیگر، فرضیه «اقدامات فرهنگی بسیج در تقویت نگرشهای نوجوان و جوانان اثربخش بوده است» مورد تایید قرار گرفت. بنابراین، براساس این یافته ها می توان نتیجه گرفت که نیروی مقاومت بسیج با فعالیت های مختلف فرهنگی خود توانسته است:

- حس میهن دوستی را در نوجوانان و جوانان افزایش دهد،
- بر اعتماد نوجوانان و جوانان نسبت به مسئولان جمهوری اسلامی بیفزاید،
- نگرش نوجوانان و جوانان رانسبت به نوع نظام ایران بهبود بخشد،
- حس بدبین بودن نسبت به غرب و آمریکا را در نوجوانان و جوانان افزایش دهد، و بر میزان نگرش منفی آنان به آمریکا بیفزاید.

<sup>۱</sup> - Periphcral

<sup>۲</sup> - Central route



به باور مردم شناسان فرهنگی، امروز کمتر فرهنگی را می توان یافت که در گذر زمان دستخوش تغییر، تحول و دگرگونی نشود. گذشته از آن، امروزه نظریه های شناختی، برخلاف نظریه های روان تحلیل گری، ثابت کرده اند که نظام پردازشگر ذهن حامیان و حاملان یک فرهنگ، بر اثر ورود اطلاعات جدید، که تقریباً همواره با بار عاطفی و هیجانی نیرومندی همراه است، همانند نظام فرهنگی پیوسته دستخوش تغییر و تحول می شود. آشکار است که این تغییر و تحول، خواه در نظام فرهنگی جامعه و خواه در نظام پردازشگر ذهن آدمی، گاه از سر اختیار و آگاهی و گاه به گونه ای ناهشیار صورت می گیرد.

در حالت نخست (تغییر آگاهانه و تعمدی) حاملان و حامیان یک نظام فرهنگی برای احتراز از تاخر فرهنگی، از بین بردن ناهماهنگی های درونی نظام فرهنگی، حفظ انسجام فرهنگی و پاسخگویی به نیازهای فزاینده جامعه با نوآوری و خلاقیت در عرصه اندیشه و فن آوری، فرهنگ خویش را تعالی می بخشد و از رکود و ایستایی آن ممانعت می نمایند. چه می دانند فرهنگ ایستا و راکد همانند برکه ی آبی است که دیر یا زود زوال می یابد. *انانی و مطالعات فرهنگی*

در حالت دوم، تغییر نظام فرهنگی یا از طریق فرآیند «فرهنگ پذیری» صورت می گیرد و یا یک فرهنگ با فرهنگ های دیگر، عناصر نظام فرهنگی حاکم بر جامعه دستخوش تغییر می شوند. لیکن، در اشاعه فرهنگی، تغییرات فرهنگی هم فراگیرترند و هم عمیق تر.

در واقع، اشاعه فرهنگی فرآیندی است که طی آن عناصر یا مجموعه های فرهنگی از یک فرهنگ یا جامعه، به فرهنگ یا جامعه دیگر انتقال می یابد و به

تدریج در آن فرهنگ جذب شده و سبب دگرگونی آن می شود. تهاجم فرهنگی شدیدترین حالت و شکل اشاعه فرهنگی است.

در تهاجم فرهنگی، حاملان و حامیان و عوامل یک فرهنگ با اقدامات و فعالیتهای برنامه ریزی شده می کوشند تا نظام فرهنگی حاکم بر جامعه یا جوامع آماج را فرو پاشند و به جای آن نظام فرهنگی مورد علاقه خود را بنشانند. اقدامات فرهنگی غرب علیه جمهوری اسلامی از نوع اخیر (تهاجم فرهنگی) است، دنیای غرب با ملت مسلمان ایران سر دشمنی دارد، نظام جمهوری اسلامی را نمی پذیرد، برای سلطه مجدد بر ایران روزشماری می کند و می داند تهاجم و یورش فرهنگی اثر گذارتر از هر اقدام مستقیم یا غیر مستقیم دیگری است.

اما، تهاجم فرهنگی غرب تنها زمانی بر نظام فرهنگی ایران و حاملان نظام و فرهنگ حاکم بر جامعه می تواند تاثیر عمیقی بر جای نهد که شرایط درونی آن مهیا باشد.

شرایط درونی زمانی فراهم می شود که فرهنگ حاکم بر جامعه:

۱- نتواند نیازهای روزافزون افراد جامعه را برآورده سازد،

۲- قدرت سازگاری و انطباق و تحول آن اندک باشد،

۳- از انسجام لازم برخوردار نباشد،

۴- سیاست های حاکم بر آن متناقض و ناکارآمد باشند.

زمانی که این شرایط مهیا باشد، حامیان و حاملان فرهنگ بیگانه با اقدامات و تلاشهای غیر مستقیم و حساب شده، از طریق تاثیر بر اقشار آسیب پذیر (نوجوانان و جوانان) می کوشند تا در وهله اول الگوهای رفتاری و هنجارهای حاکم بر جامعه را تغییر دهند، سپس برای تغییر نگرشها برنامه ریزی می کنند و سرانجام بر ارزشهای اساسی جامعه تاثیر می گذارند. آشکاراست که تغییر این

عناصر برکل نظام فرهنگی تاثیر می گذارد و آن را دستخوش دگرگونی قهقرایی، و نه تکاملی، می سازد.

یافته های پژوهشی، واز جمله یافته های این پژوهش، نشان داده است که با اقدامات و فعالیت های برنامه ریزی شده، می توان به مقابله با تهاجم فرهنگی پرداخت.

اثر بخش ترین شکل مقابله با تهاجم فرهنگی، انجام اقدامات فرهنگی توسط نهادها و متولیان فرهنگی جامعه است. این گونه فعالیت ها نیز تنها زمانی پربازده و کارآمد خواهند بود که اولاً: متعدد و متنوع باشند، ثانیاً متناسب با نیازهای اقشار جامعه (به ویژه نوجوانان و جوانان) باشند، ثالثاً: تفاوت های مذهبی موجود را نادیده نینگارند، خامساً: از فناوری جدید برای عرضه فعالیت های فرهنگی استفاده کنند.

گذشته از آن، یافته های پژوهشی نشان داده است ارزشها، نگرشها و هنجارهایی که در دوران کودکی شکل می گیرند، در برابر تغییر بسیار مقاوم هستند از همین روی، لازم است آن دسته از نهادهایی که مقابله با تهاجم فرهنگی غرب را وجهه همت خویش ساخته اند، گروههای سنی پایین (کودکان و نوجوانان) را حتی بیش از سایر گروههای سنی تحت پوشش فعالیتهای خویش قرار دهند. بنابراین، براساس یافته های این پژوهش به نیروی مقاومت بسیج پیشنهاد می شود که برای افزایش اثربخشی دامنه فعالیت های فرهنگی خویش، توصیه ها و رهنمودهای زیر را مورد نظر قرار دهد.

- ۱- دامنه فعالیتهای فرهنگی، هنری و آموزشی خویش را افزایش دهند.
- ۲- برای معرفی مراکز فرهنگی- هنری و آموزشی خود از روشها و فنون تبلیغاتی مدرن استفاده کنند. چه، بخش قابل توجهی از افراد مورد بررسی

- از کم و کیف فعالیتهای فرهنگی بسیج اطلاعی ندارند. شاید تبلیغ بتواند بر حجم بهره گیران از فعالیتهای فرهنگی بیفزاید.
- ۳- در طراحی و برنامه ریزی فعالیتهای فرهنگی، از مدیریت کارآمد و علمی بهره گیرند. چراکه با مدیریت علمی می توان کاستیها را مرتفع ساخت .
- ۴- در هرکوی و برزن یک مرکز فرهنگی تاسیس کنند. زیرا تنها با چنین اقدامی است که می توان با تهاجم فرهنگی مقابله اثربخش تر نمود.
- ۵- مراکز فرهنگی خود را تجهیز کنند. چراکه نوجوانان و جوانان رو به مراکز و مجموعه هایی دارند که « مدرن » و مجهز به فن آوری جدید باشند.
- ۶- به نوجوانان و جوانان الگوهای رفتاری و عملی جدید و زنده معرفی کنند. تاثیر الگوهای زنده بر کودکان ، نوجوانان و جوانان بیش از سایر الگوها است .
- ۷- در فعالیتهای فرهنگی « خلاقیت » و « نوآوری » نقش پراهمیتی در حفظ انسجام نظام فرهنگی و حراست از آن در مقابل تهاجم فرهنگی دارد لذا توصیه می شود برای کارهای خلاقانه و طرح های مبتکرانه ارزش و اهمیت ویژه ای قائل شوند.
- ۸- بر میزان فعالیت های خود در حیطه هنرهای تجسمی، موسیقی و نمایش بیفزایند.



## منابع فارسی

- ۱- علیمحمدی، محمدحسین (۱۳۷۴)، *تحلیلی مقدماتی بر تهاجم فرهنگی*. همایش تخصصی فرهنگی دانشگاه آزاد
- ۲- نوید، مهری (۱۳۷۶). *فرهنگ و مقاومت فرهنگی*، تهران: انتشارات محیط
- ۳- روح الامینی، محمود (۱۳۷۲)، *زمینه فرهنگ شناسی*، تهران: انتشارات عطار
- ۴- بیتس دانیل و پلاگ فرد (۱۳۷۵)، *انسان شناسی فرهنگی* (ترجمه محسن ثلاثی). تهران: انتشارات علمی
- ۵- پناهی، محمد حسین (۱۳۷۷) *نظام فرهنگی، کارکردها و دگرگونی آن*. تهران: روزنامه اطلاعات
- ۶- رفیع، جلال (۱۳۷۳)، *فرهنگ مهاجم، فرهنگ و تهران: انتشارات موسسه اطلاعات*
- ۷- خاکی، غلامرضا (۱۳۷۳)، *نقش تکنولوژی در تهاجم فرهنگی*، دانشگاه آزاد اسلامی - همایش تخصصی
- ۸- احدی، حسن (۱۳۸۳)، *تهاجم فرهنگی*، پروژه تحقیقی وزرات ارشاد اسلامی
- ۹- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی* (ترجمه مریم وتر)، تهران: انتشارات کویر

## Refrence English

- 10-Rogers,E.M.(1993).Diffusion of Innoration
- 11-Heine-Geldren,R.(1972).Cultural Diffusion .Encgclo pedia
- 12-Robertson,c.(1993).attitude andattitude changes.
- 13-Franzoi, s.l.(2001).social Psychology .Boston.Magraw.Hill
- 14-Vaker, s.h.(2002). Education,propagand and culture.
- 15-[www.edu.net](http://www.edu.net).